



کتاب «جامعه در قرآن»، تألیف آیت‌الله جوادی آملی از سری مجموعه تفسیر موضوعی قرآن کریم در تفسیر آیه پایانی سوره آل عمران به بررسی جامعه نمونه اسلامی بر اساس تعالیم قرآنی پرداخته است. این کتاب در شش بخش تدوین شده‌است و هر بخش شامل سه فصل است؛ کلیات، ساختار جوامع انسانی و اسلام آیین زندگی، عناوین بخش‌های اول تا سوم را تشکیل می‌دهد.



**۱۰-متن چیست؟**
نخستین رویکرد پدیدارشناسانه به متن، تعریف متن و حدود ایده آن است. فهم متن، استقلال متن، گفت‌وگو با متن، کلام‌محوری و متن، تبیین پیوند و نوع مناسبت میان متن و تاویل متن و قصد مولف، متن و مرگ نیت و ساکت یا زنده بودن متن بنیادهایی هستند که هر کدام می‌توانند تعریف متن را تغییر دهند.

دیدگاهی که متن را به مثابه موضوعی تعریف شده و قطعی می‌نگرد قابل نقد و طعن است. گاهی متن را به مثابه ثبت هر نوع سخن در نوشتار می‌پنداریم (پورحسن، هرمنوتیک تطبیقی، ۱۳۸۴، ۱۳۵). گاهی معنایی فراخ‌تر برای متن قائل شده و منظری انتولوژیک به متن داریم. از این رو متن را با هستی و بودگی پیوند داده و تاویل و تفسیر را تابعی از تاویل هستی قرار می‌دهیم (مک کواری، ۱۳۷۶، ۸۱-۸۰). در میان متفکران هرمنوتیک

# معارف متن و حیانی‌وشیوه‌فهم آن

# نص فهم‌پذیر

ادکتر قاسم‌پور حسن

متن بودن آیات مقدس نزد برخی امری قطعی و غیر قابل تشکیک است در حالی که گروهی قرآن را – به ویژه – مجموعه‌ای از گفت‌وگوهای پیامبراکرم<sup>(ص)</sup> با مردم، فرهنگ زمانه و دیگر ادیان تلقی می‌کنند. در صورتی که آیات را متن برشمارد که در زمینه‌ای تاریخی – فرهنگی نازل شد و تدوین یافت، مهم‌ترین افزار شناخت آن، روش نظام‌مند فهم یا تفسیر خواهد بود. در صورت دوم بدون شناخت فرهنگ، اعمال و کنش‌ها، زمینه‌ها و بافتار (context) جامعه و عصر پیامبر<sup>(ص)</sup> نخواهیم توانست قصد گوهری و اصیل متن را دریابیم. نگارنده اعتقاد دارد که میان دو دیدگاه باز آمده تضاد ذاتی وجود نداشته و امکان سازگاری میان آن دو در پر تو تحدید و تعریف دقیق و صحیح «متن و زمینه» میسر است.

قرآن بر اساس ادله و شواهد درونی و بیرونی در درجه نخست متنی زبانی است؛ متنی که تردیدی در وحیانی بودن آن و دریافت از سوی پیامبر<sup>(ص)</sup> نیست اما همین متن براساس پرسش‌ها، نیازها، اقتضائات، کنش‌ها و فرهنگ عصر نازل شد. متن قرآن در عین حال که امری قدسی، قطعی و آسمانی است لیکن در تناسب با نیازهای بشر فرو فرستاده شد. این متن که بنیاد تمدن اسلامی را به همراه فرایند فهم مسلمانان و رویکردهای فقهی، کلامی و فلسفی در تفسیر و دریافت معنای آن شکل داده، بدون کار بستن شیوه‌ای منسجم و مبتنی بر دانش شناخت و تاول متن فهم نخواهد شد. این فهم هم می‌تواند به شیوه‌ای مستقیم که همان مواجهه مفسر با متن است صورت پذیرد و هم با ابتنا بر رویکرد امتزاج آفق‌ها که بر مواجهه آفق متن به عنوان موازیث، سنت و امری تاریخمند و آفق مفسر به عنوان در یچه زمان حال و با مدد از دیگر علوم شکل گیرد. به هر روی هیچ متنی از فرایند تفسیر و فهم مصون نیست. اتخاذ شیوه‌های گوناگون فهم تابع عناصر و اسباب مختلفی است که می‌تواند فهم‌های متنوع و مختلف را مؤدی شود. در این مطالعه کوشش می‌شود تا نخست دیده متن تحدید و تعریف شده و سپس از نظریه تلفیق رویکرد متن‌محوری و رویکرد گفتمان‌محوری به آیات قرآن دفاع به عمل آمده و سرانجام متن و حیانی شیوه فهم را ا‌بضاح کنیم.

رولان بارت پیش از هر کس دغدغه تعریف دقیق متن را داشت. وی در کتابش، «از اثر تا متن» (from work to text) ابتدا در مقدمه بر بررسی معنای متن تأکید می‌کند که متن امروز بحثی شایع اما منقح نشده است. طی سالیان پیش جایه‌جایی معرفت‌شناختی و تغییر بینش ما از زبان و اهمیت یافتن آن سبب شد تا توجه بنیادی و ژرفی به مساله متن صورت پذیرد. وی می‌کوشد تا در هفت مساله تعریفی مشخص از متن ارائه دهد:

اول: هنوز تعریفی جامع از متن به دست داده نشده است. میان متن با زبان (langue) و گفتار (parole)» (بارت، ۱۹۰۱۳۷۰) و همین‌طور اثر تفاوت وجود دارد. متن، گذار و پیمایش را نشان می‌دهد (Barthes, ۱۹۸۹, ۵۷-۶۰).

دوم: بر این اساس، متن متوقف در الفاظ و واژگان و قصد نشده و قدرت فراورده از حدود زبان را به نحو شگفت‌آوری داراست. بنابراین متن می‌تواند کوشد تا خود را به آن سوی مرز

دو کسا پیش برود. بنابراین متن همواره امری است فراسوی پارادوکس (Ibid).

سوم: متن واجد نشو و نمایی بی‌وقفه است.

چهارم: متن چون زایش دارد، از این رو متکثر بوده و چند معناست.

پنجم: متن زنده و فعال است نه منفعل و تهی (پورحسن، ۱۳۸۴، ۱۵۲-۱۵۱).

ششم: رابطه متن و تفسیر، رابطه بازی است. تفسیر جریانی کنشی است که متن را بازتولید می‌کند و متن در برابر تقلیلی که خواننده در صدد جلوگیری از آن است، مقاومت می‌کند.

هفتم: متن با شادی و زندگی و طراوت مقرون است. متن مقدم بر تاریخ به شفافیت روابط زمانی دست می‌یابد. متن همان فضایی است که در آن هیچ زبانی بر دیگری مسلط نمی‌شود (Barthes, op.cit, ۶۴).

شناخت متن و حیانی و به‌خصوص متن قرآنی نیازمند چند پژوهش است که می‌کوشیم در این نوشتار به صورت بسیار مجمل آنها را بررسی کنیم.

○ **۲- سرنوشت متن قرآنی**
چنین به نظر می‌رسید که همه مفسران اسلامی قرآن را متن و حیانی و زبانی تلقی کرده و می‌کوشند تا در پرتو مناهج تفسیری خاص به فهمی صحیح دست یابند. این تلقی امروزه با پرسش اساسی‌ای مواجه شده که آیا رویکرد کلامی، عرفانی، فلسفی، علمی، ادبی، روایی یا نقلی و بالاخره تاریخی تنها رویکردهای فهم نسبت به متن هستند یا کارکرد، چهار چوب و تعریف سرانجام سرشت متن را هم تغییر می‌دهند. علامه طباطبایی در مقدمه تفسیر المیزان می‌کوشد تا روش‌های نادرست تفسیری را کالویده و آنها را تحت نام «تطبیق» بررسی و نقد کند و سپس یگانه روش تفسیر صحیح را که تفسیر بینامتنی یا قرآن به قرآن است براساس آیات و روایات تأیید و اثبات کند. (ر.ک: مقدمه المیزان). نقدهای علامه نشان می‌دهد که تغییر روش تفسیری موجب شده تا مفسران نه تنها از معنای حقیقی متن غفلت ورزند بلکه کارکرد صحیح متن هم از بین برود.

حقیقت این است که تبیین و ایضاح سرشت متن قرآنی با توجه به نکته بازآمده نیازمند



مطالعه موضوعاتی چند است که بدون آنها نمی‌توان از تئوری تلفیق «متن و گفتمان» یا «متن و بافتار» دفاع به عمل آورد.

○ **الف) متن قرآن و وحی**
مفهوم وحی همواره در بررسی حقیقت متن قرآن مفهومی بنیادین به شمار می‌آید. در آیات قرآن گرچه تنها در دو آیه به وحی بودن متن قرآن اشاره شده لیکن واژگان متنوع و متفاوتی را خداوند برای متن قرآن همچون ذکر، کتاب، قرآن و… به کار می‌گیرد. زرکلی در البرهان فی علوم القرآن و سیوطی در الاتقان فی علوم القرآن، ۵۰ نام را به عنوان نام‌های قرآن ذکر می‌کنند. در آیه ۴۵ سوره انبیاء آمده است: «قل انما انذر کم بالوحی»، در آیه چهار نجم هم می‌خوانیم: «و ما یطق عن الهوی ان هو الا وحی یوحی».

وحی معنایی عام‌تر از دو اسم قرآن و کتاب دارد و دربردارنده تمام متونی است که آسمانی یا خطاب الهی تلقی می‌شوند. وحی در لغت همان اعلام پوشیده یا رمزی است (لسان‌العرب، واژه وحی و مشتقات آن). در یک تقسیم‌بندی کلان وحی به دو معنی به کار می‌رود:

-نخست معنایی قدسی و خاص که صرفاً شامل خطاب خداوند به پیامبران است.

-دوم معنایی لغوی و عام که هر نوع سخن گفتن خداوند با هر موجودی به صورت رمزی و پنهان است.

آیات ۱۱۲ و ۱۲۱ سوره انعام وحی را به معنی وسوسه و القائات شیطاین به یکدیگر معرفی می‌کند. در آیه ۶۸ نحل هم وحی به معنی الهام بیان شده که همین معنی در آیه ۷ قصص، ۳۸ طه و ۱۲ انفال به چشم می‌خورد.

اما اختلاف و نزاع در معنای اول است. آیا وحی به این معنا تماماً آسمانی است؛ به نحوی که هم لفظ و هم معنا هر دو نازل شده‌اند یا معنا آسمانی و لفظ بشری است؟ علاوه بر آن آیا معنا و لفظ بدون ارزش‌ها، فرهنگ و گفت‌وگوی پیامبر<sup>(ص)</sup> با مردمان، مسلمانان، صحابه، دشمنان، کفار و مشرکان شکل گرفته است یا بدون آنها تکوین پیدا نمی‌کرد؟ گروهی اعتقاد دارند جبرئیل هم شکل و هم معنا (لفظ و محتوا) را بر پیامبر<sup>(ص)</sup> عرضه کرد



اگر ما بخواهیم قرآن را به تعبیر شلایر مآخر تفسیر فنی کنیم، باید به جنبه‌های خاص بیانی قرآن و به شیوه‌هایی که قرآن برای عرضه پیام و مفاهیم خودش دارد که اختصاص به قرآن نیز دارند وادبیات خاص قرآن به شمار می‌روند، توجه کنیم؛ به ویژه، تفسیر المیزان علامه طباطبایی که بیش تر به جنبه‌های خاص بیانی قرآن توجه دارد.



## معارف

و متن به هیچ روی متأثر از فرهنگ آن زمان یا پرسش‌ها و انتظارات و دیالوگ پیامبر <sup>(ص)</sup> با دیگران نبوده است. زر کلی معتقد است عمده مفسران اسلامی مرادشان از متن قرآنی همین رویکرد بود (زر کلی، البرهان، ۱۹۷۷، ج ۱، ۲۲۹) این گروه مهم‌ترین دلیل را شواهد قرآنی دانسته و به آیاتی مانند «بل هو قرآن مجید فی لوح محفوظ» (بروج ۲۲–۲۱) استناد می‌کردند. گروه دیگر که قرآن را یا متون صرف ندانسته بلکه متن به انضمام زمینه‌ها را در مطالعات قرآنی و تفسیری امتزاج می‌بخشند یا قرآن را متون تلقی نکرده بلکه آن را صرفاً مجموعه‌ای از دیالوگ‌ها و به عبارتی تنها گفت‌مان‌ها می‌دانند، تاکید دارند که قرآن، متن به معنای «الهام وحیانی» است؛ یعنی جبرئیل تنها محتوآ را بر پیامبر <sup>(ص)</sup> نازل کرده و سپس پیامبر <sup>(ص)</sup> واژگان بشری (زبان عربی) بر آن پوشانید.

استناد این گروه دو گونه شواهد کاملاً متفاوت است؛ دسته‌ای خود آیات قرآن را همچون نزل به الروح الامین علی قلبک (شعراء، ۱۹۴–۱۹۳) ملاک قرار داده و نزول بر قلب را تنها شامل معانی و محتوا و بدون الفاظ و واژگان برمی‌شمارند اما گروهی دیگر معتقدند در صورتی که قرآن را الهام و متن سراسر وحیانی تلقی کنیم دچار تعارض در آیات می‌شویم که بدون توجه به زمینه‌ها و بافت فکری و فرهنگی جامعه آن روز نمی‌توان این تعارضات را رفع کرد.

⊙ **ب) متن قرآنی و بافتار**
محصول فرهنگی بودن قرآن و اعتنا به فرهنگ، زبان، ارزش‌ها و کنش‌ها و زمینه‌ها، دو رویکرد اساسی در مساله متن قرآن و بافتار محسوب می‌شود. نگارنده این نوشتار رویکرد نخست را غیرقابل دفاع می‌داند؛ در حالی که رویکرد دوم تهافتی با متن بودن قرآن و وحیانی بودن تمام متن ندارد.

رویکرد نخست بر اصولی بنیاد نهاده شده که به هیچ روی نمی‌تواند از وحیانی بودن متن دفاع به عمل آورد. برخی از این اصول چنین هستند:

I- متن قرآن دارای وثاقست تاریخی نخواهد بود. مستشرق قینی همچون تیس دال (W. Claik Tisdall) در کتابی با عنوان «منابع اساسی قرآن» (The original sources of the Quran) ادعا دارند که بخش‌های زیادی از قرآن در زمان‌های پیش از نزول وحی وجود داشته است؛ از جمله برخی از سوره‌های مکی که پیش از پیامبر <sup>(ص)</sup> میان جامعه یهود و مسیحی مطرح بود. مستشرق دیگری به نام وانزبرو ( J. Ed. J. wansbrough) در کتابش، «مطالعات قرآنی» که به سال ۱۹۷۷ نشر یافت، بر وجود عناصر انجیل و حتی اسطوره‌هایی همچون ملکه سبا، ذوالقرنین (کورش یا اسکندر) در قرآن تاکید می‌ورزد.

ابوزید در مصاحبه‌ای ضمن طرح اشکالات مستشرقین درباره متن قرآنی می‌کوشد تا ضمن نقد متن قرآن به عنوان متن وحیانی و دفاع از متن قرآنی به مثابه امری در بیوند با بافتار، قرآن را تماماً محصول فرهنگی تلقی کرده و ادعا دارد که معتقدان تمام قرآن را وحی می‌دانند اما محققان نه. وی معتقد است که باور به متن قرآن به عنوان متن تنها

وابسته به ایمان مومنان و محبت تنها وحی مبتنی بر ایمان است. اگر معتقدان متن قرآن را به منزله متون وحیانی باور داشته باشند، متن بر همین اساس واجد حجیت می‌شود؛ در غیر این صورت متن بودن قرآن اعتباری نخواهد داشت. بنابر این متن برای کسانی که مومن به اسلام و قرآن نباشند، حجیت نداشته و حجیت تنها اعتباری است که انسان به متن می‌دهد.
II- پیروان رویکرد نخست تاکید دارند که قرآن یک متن نیست بلکه یک گفت‌مان یا مجموعه‌ای از گفت‌مان‌هاست. لازمه این سخن چیست؟ سه امر اساسی‌ترین نتیجه این ارزیابی خواهد بود؛

امر اول این است که قرآن صرفاً تجربه یا الهام یا وحی بر پیامبر <sup>(ص)</sup> نیست بلکه تجربه جامع عصر پیامبر <sup>(ص)</sup> و اوست؛ یعنی جامعه، پیشینه و فرهنگ در قرآن حضوری موثر و وافر دارند. ادراک‌ها، پیش‌ادراک‌ها، انتظارات، پرسش‌ها، رویه‌ها، گفت‌وگوها و مواجهه‌های جامعه و مردم و مخالفان با پیامبر اکرم <sup>(ص)</sup> در شکل‌گیری قرآن نه تنها لحاظ شده بلکه در تکوین آن نقش بنیادینی داشته‌اند.

امر دوم این است که می‌توان بسیاری از نقادی‌های تاریخی را پذیرفت؛ از جمله تحریف یا افزودنی و کاستی در آیات و حکم.

امر سوم مربوط به انکار و حیانی بودن سراسر قرآن است. وقتی قرآن را مجموعه‌ای از گفت‌وگوهای فراوان پیامبر <sup>(ص)</sup> با مومنان، منافقان، کفار، مشرکان و مخالفان بدانیم در آن صورت بالطبع تمام آیات متعلق به آسمان و عالم بالا نخواهد بود بلکه محصول مواجهه جامعه با امور عینی عصر و امر مطلق یا آسمان است. بنابر این نمی‌توان «سیسلونک» در قرآن را امری عرضی بر شمرد. قرآن که در بسیاری از آیاتش گفت و شنود پیامبر <sup>(ص)</sup> و دیگران را نقل می‌کند، این نقل به نوعی تایید دیالکتیک عالم انسانی با عالم وحیانی است.

III- اصل سوم مدعیان رویکرد نخست بر وجود تعارض تاریخی و حکمی در آیات قرآن است. این گروه اعتقاد دارند تنها با رویکرد نخست، یعنی باور به پارادایم گفت‌مان‌ها و محصول فرهنگی بودن قرآن است که می‌توان این تعارضات را حل کرد.

شواهد آیات در تعارضات به زعم این دسته عبار‌تند از:

⊕ آیاتی از قرآن ازدواج مرد مسلمان با زن غیرمسلمان را ممکن می‌داند در حالی که آیات دیگر آن را غیرممکن برمی‌شمارند.

⊕ آیاتی از قرآن همچون آیه ۹۳ سوره مریم <sup>(ص)</sup> (کل آتیه یوم القیامه فردا) و آیه ۲۸ سوره نوح (کما بدأ أول مره تعودون) بر معاد روحانی و به تعبیر ملاصدرا «بیشرون علی صفه التجرد و الفردانیه» (شواهد ربوبیه، ۱۳۸۶، ۵۶) دلالت دارد؛ در حالی که آیاتی دیگر معاد جسمانی را تاکید و ابرام می‌ورزند؛ همانند آیه ۷۳ سوره قمر (یوم یحسبون فی النار علی وجوههم)

آیه ۲۶۰ سوره بقره (رب انما کیف تحیی الموتها)

آیه ۲۶ بقره (انی یحیی هذه الله بعد موته)

آیه ۲۰ سوره کهف (و کذلک اعثرنا علیهم لיעلموا ان وعدالله حق)

آیات ۷۸ و ۷۹ یس و آیات ۱۰ و ۱۱ نازعات.

⊕ آیاتی از قرآن بر اختیار بشر دلالت دارد و آیاتی بر جبر.

آیات مثبت اختیار:

-ذلک بان الله لم یک مغیرا نعمه انعمها علی قوم حتی یغیروا ما بانفسهم (انفال ۵۳)

-و ما اصابک من سینه فمن فمک (نساء ۷۹)

-فمن ابصر فلنفسه و من عمی فلعیها (انعام ۱۰۴)

آیات دال بر جبر:

-و ما تشاؤون الا ان یشاءالله (انسان ۳۰)

-فیظل الله من یشاء و یهدی من یشاء (ابراهیم ۴)

⊕در آیه ۲۸ سوره مریم <sup>(ص)</sup> درباره حضرت مریم <sup>(ص)</sup> آمده که ای خواهر هارون، نه پدرت مرد بدی بوده و نه مادرت زن بی‌غی و بدکاره بود:

یا اخت هارون ماکان ایوک امرأ سوء و ما کانت امک بغیا

به لحاظ تاریخی این استناد قابل پرسش و متعارض است.

⊕در آیه ۱۴۲ بقره خداوند به سرزنش مخالفان تغییرِ قیله می‌پردازد؛ در حالی که اصل مساله تغییر قیله را در دو آیه بعد- آیه ۱۴۴- ذکر می‌کند:

-سیقول السفهاء من الناس ما ولیهم عن قلبهم الئی کانوا علیها…(۱۴۲ بقره)

-ترنری تغلب وجهک فی السماء فلنولینک قیله ترضاها… (۱۴۴ بقره)

⊕در آیه ۱۱۶ سوره مائده، مساله تثلیث مورد مناقشه و ابطال واقع می‌شود:

و اذا قال الله یا عیسی بن مریم ائت قلناس اتخذونی و امی الهین من دون الله

در این آیه تثلیث به اعتقاد به اب و ابن و ام تعریف شده؛ در حالی که در مسیحیت هیچ‌گاه ام اقنوم سوم نبوده بلکه روح القدس را به عنوان اقنوم پذیرفته بودند.

رویکرد دوم باوجود اینکه تاثیر فرهنگ‌ها، کنش‌ها و اعمال، ارزش‌ها و مناسک و پرسش‌ها و انتظارات را در نوع و گونه‌های آیات قرآن، به خصوص آیات مدنی که عمدتاً زمینه‌محور هستند، می‌پذیرد اما از وحیانی بودن متن دفاع می‌کند.

گفت‌وگوی پیامبر <sup>(ص)</sup> با کفار، مشرکان و منافقان، درخواست کفار از پیامبر <sup>(ص)</sup> مبنی بر ترک دعوی نبوت، ادعای کفار مانند ولید درباره تاثیر‌پذیری آیات قرآن از پیشینیان (انه فکر و قدر، فقیل کیف قدر… فقال ان هذا الا سحر یوثر، ان هذا الا قول البشر…))، درخواست اعراب از پیامبر <sup>(ص)</sup> مبنی بر آبیاری زمینشان، تمهید باغی از خرما و انگور و سیرابی آن از آب بسیار، دسترسی آنان به آسمان، آماده کردن خدا و فرشتگان جلوی چشمانشان، داشتن خانه‌ای از گنجینه و ثروت، پرواز در آسمان و مورد تایید بودن رسالت پیامبر <sup>(ص)</sup> به امضای خدا در آسمان و ارائه آن به ایشان در آیات ۹۰ تا ۹۳ سوره اسراء، درخواست انسان‌ها‌اعم از انبیای الهی (همچون ابراهیم و عزیر پیامبر <sup>(ص)</sup> و انسان‌های عادی و

## علامه طباطبایی رویکردهای گوناگون مواجهه‌مفسران اسلامی را در مقدمه تفسیر المیزان بیان کرده‌و سپس به بررسی آنها پرداخته و تاکیدمی‌کند تا زمانی‌که نتوانیم به گوهر متن بدون شوائب و زوائد مراجعه کنیم، نخواهیم توانست معنای حقیقی آیات را فهم کنیم

**مفهوم وحی همواره در**

**بررسی حقیقت‌متن قرآن مفهومی بنیادین به شمار می‌آید. در آیات قرآن گریچه تنها در دو آیه به وحی بودن متن قرآن اشاره شده‌ لیکن واژگان متنوع و متفاوتی را خداوند برای متن قرآن همچون ذکر، کتاب، قرآن و… به کار می‌گیرد.**

عامی از خداوند مبنی بر نشان دادن عینی زنده شدن مجدد پس از مرگ، بیان داستان منافقان و احوالات آنها و نوع مواجهه‌شان با پیامبر <sup>(ص)</sup>، پیشنهاد کفار و منافقین مبنی بر عقب‌نشینی پیامبر <sup>(ص)</sup> از دعوت به اسلام و عدم استقامت و ذکر آن در آیات اول تا سوم سوره احزاب و پاسخ خداوند به آنان و دستور به پیامبر <sup>(ص)</sup> در نپذیرفتن سخن آنان و نظایر آن که در آیات قرآن بسیار ذکر شده، به همراه احکام و مقررات مربوط به زنان، مواریث، شهادت، حدود و تعزیرات، خمس و زکات، امر به معروف و نهی از منکر، تقسیم غنائم، بحث انفال، احکام مطهرات و … مواردی هستند که بی‌تردید برخاسته از وضعیت، درخواست‌ها و انتظارات، پرسش‌ها، پیش‌ادراک‌ها، مقابله‌ها و مواجهه‌ها، گفت‌وگوها، فرهنگ‌ها و ارزش‌ها هستند. دعوی قرآن این نیست که آیات تناسبی با نیازها نداشته یا منشا یافته از علم ازلی الهی و به صورت کلام نفس و به دور از زمان و عصر انبیا هستند. قرآن به صراحت در موارد زیادی پیامبر <sup>(ص)</sup> را خطاب قرار می‌دهد که موافقان، مخالفان، منافقان، مومنان چنین پرسش‌هایی را طرح کردند و پاسخشان در قرآن هم ذکر شده است. پس از شکست مسلمانان در جنگ احد، کفار و مشترکان احساس بزرگی، پیروزی و برتری داشتند و مسلمانان به واسطه شکست احساس ترس، کوچکی و ناکامیایی در سر می‌پروراندند. خداوند در آیه ۱۴ سوره آل عمران نسبت به یاس و ناامیدی مسلمانان در برابر شکست در جنگ، اصل طبیعی و بشری به نام امکان‌های شکست و جنگ و خسارت دیدن و سود بردن را ذکر کرده و آن را ویژگی ذاتی جنگ و نبرد برمی‌شمارد که هیچ گروهی از آن مصون نخواهد بود:

ان یمسکم قرح فقد مس القوم قرح مثله و تلک الا یام نداولها بین الناس

آل عمران ، آیه ۱۴۰

تردیدی نیست که داستان این آیه کاملاً مربوط به زمینه‌ای واقعی و منطقی با وضعیت پس از جنگ و احوال مردم مدینه و مسلمانان است اما شکی نیست که این گزارش بشری نیست بلکه متنی وحیانی و اخبار الهی از اوضاع نامساعد مومنان در دوران پس از شکست به سبب عدم آگاهی از سنت الهی است.

⊙ **(ج) متن قرآنی ایجاد‌کننده فرهنگ**
بررسی متن قرآنی در اندیشه اسلامی محدود و منحصر به نحوه شکل‌گیری آن یا اهمیت نخستین دادن به زمینه نبود بلکه این متن با رویکردهای متنوعی مطالعه و ارزیابی شد. گاه متن قرآنی بسان امری اعجاز‌گون و زبانی خاص (مطهری، نبوت…، ابوبکر باقلانی، الاعجاز و…) تلقی می‌شد و زمانی به مثابه بزرگ‌ترین اثر ادبی و بلاغت (امین خولی، مناهج تجدید فی النحو و البلاغه و التفسیر و الادب، ۱۹۶۱، ۲۰۲) مورد مطالعه و پژوهش واقع می‌شد. بعضی از مفسران متن قرآن را حاوی احکام و عقاید دانسته؛ در حالی که دیگران این متن را بنیاد مناسبات اجتماعی و سیاسی برمی‌شمرند. عده‌ای با رویکرد عقلی و گاهی عرفانی به سراغ متن رفتند. صدرالدین قونوی در تشریح معنای «و ما یومن اکثرهم باللله الا و هم مشرکون» (یوسف،



یوهان ولفگانگ فن گوته بزرگ‌ترین شاعر آلمانی است که تأثیر پذیری اواز فرهنگ و تمدن اسلامی و ایرانی، از شگفت‌انگیزترین وقایع زندگی اوست. گوته در جای‌جای دیوان شرقی نشان‌اش را به اسلام نشان می‌دهد و اشعار ز یادِ رامی توان از دیوان او استخراج کرد که برگرفته از آیات قرآن است.



**ا** ۱۰۶) تأکید دارد که هر معصیتی بازگشتن به شرک است. هر انسانی مرتکب گناه شود، مشرک خواهد بود(جوادی آملی، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، ۱۳۸۶، ۲۲–۲۱). همین رویکرد در تفسیر آیه ۱۰۲ سوره اسراء به چشم می‌خورد: «لقد علمت ما نزل هولاء الارب السموات و الارض بصائر».

در بارِ بیان فرعون از جهت عقل نظری و جزم علمی یقین داشتند که حق با موسای کلیم است اما از لحاظ عقل عملی انکار می‌کردند. از آیه فهمیده می‌شود که فرعونیان آگاه بودند که کارهای حضرت موسی<sup>(ع)</sup> بصائر و آیات الهی هستند اما به آن ایمان نیاوردند. عقل

عملی عهده‌دار عزم و عقل نظری مسؤؤل جزم، تعلیل و تبیین آن است. (همان، ۲۳) علامه طباطبایی رویکردهای گوناگون مواجهه متفکران و مفسران اسلامی را در مقدمه تفسیرالمیزان بیان کرده و سپس به بررسی و نقد و جرح یک‌یک آنها پرداخته و ضعف هریک را نشان می‌دهد (ر.ک: مقدمه تفسیرالمیزان، علامه طباطبایی…). ایشان مهم‌ترین نقصان و ضعف این رویکردها را تطبیق و تحمیل آرا و دیدگاه‌های خود بر متن قرآنی دانسته و تأکید می‌کند تا زمانی که نتوانیم به گوهر متن بدون شواذب و زوائد مراجعه کنیم، نخواهیم توانست معنای حقیقی آیات را فهم کنیم. این نزاع‌ها حکایت دارند که مهم‌ترین و بنیادی‌ترین دغدغه متفکران اسلامی در متن قرآنی، «معنای حقیقی متن» بود. متن قرآنی تنها، واقعه‌ای تاریخی یا رخدادی زمانمند نبود بلکه میراث دینی و اسلامی بر آن بنیاد نهاده شد. اینکه سنت، میراث و فرهنگ اسلامی مسلمانان بر شالوده متن قرآنی استوار است، مورد تردید نیست اما تاکنون کمتر پژوهشی درباره متن قرآن از این منظر صورت گرفته و میزان تأثیر متن بر نوع و گونه فرهنگ و میراث اسلامی مورد غفلت واقع شده است. نتایج ذیل می‌تواند از این منظر مورد توجه و اهمیت واقع شود:

❖فرهنگ اسلامی، فرهنگ متن محور است.

❖فرهنگ اسلامی، فرهنگ الهی و انسانی است که رنگ خاص عرب و غیرعرب ندارد و تأکید بعضی بر عربی بودن دین اسلام ناشی از قصور فهم آنان از جامعیت و شمولیت اسلام است.

❖فرهنگ مسلمانان محصول قرآن و دستورات قرآنی است.

❖وحيانی بودن متن قرآن منافاتی با سازگاری آیات با واقعیات زندگی انسانی و اقتضانات و نیازهای بشری ندارد.

❖اعتبار متن قرآنی نه لزوماً به نقش آن در میراث و فرهنگ است و نه ضرور تا به برگرفتی از فرهنگ موجود بلکه حییت و اعتبار آن به وحيانی بودنش (نه فقط ایمان فرد به آسمانی بودن بلکه ایمان جمعی مسلمانان به وحيانیت آن) است.

❖تحلیل کارکرد و تأثیر متن قرآنی در میراث مسلمین و فرهنگ اسلامی تهافتی با منشأ الهی و آسمانی آن ندارد.

❖میان تأثیر پذیری متن قرآنی از فرهنگ‌ها، ارزش‌ها، کنش‌ها و انتظارات زمان نزول با تأثیر گذاری آن در شکل بخشیدن فرهنگ اسلامی تفاوت چشمگیر و معناداری وجود دارد. در هیافت نخست، متون وحيانی به نیازهای بشر اعتنا ورزیده و پیامبران به زبان

قوم سخن می‌گویند: وما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه لیبتین لهم… (ابراهیم ۴۰). سبب گوهری سخن گفتن انبیای الهی به زبان آن مردمان، نه برگیری تام از فرهنگ و لسان آنان یا فروکاستن سخن قدسی به زبان عرفی یا تکوین متن وحيانی براساس فرهنگ بشری بلکه بیان و تشریح معارف و احکام الهی است. این هدف در آیه مزبور به روشنی تصریح شده است. از این رو رویکرد نخست بر فرهنگ و زبان انسان‌ها به مثابه میانجی و واسطه تبیین تأکید دارد و فرهنگ را بنیان متن آسمانی قلمداد نمی‌کند؛ در حالی که در رویکرد دوم، متن به مثابه شالوده و بنیانی است که فرهنگ انسان‌ها را براساس معارف الهی تکوین می‌بخشد. بنابراین تأثیر فرهنگ‌ها بر متن قرآنی بسان میانجی زبانی است؛ در صورتی که تأثیر قرآن در شکل‌دهی میراث و فرهنگ انسانی و اسلامی همچون «بنیان و اصل» تلقی می‌شود.

جامعه اسلامی در دوران نخست، تحت تأثیر متن قرآنی کوشید تا نظام‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی پیشین را تغییر داده و نظام‌هایی کاملاً متفاوت را شکل دهد. تأثیر متن در چهار سده اول برجسته و حتی یگانه بود؛ به نحوی که دیگر حوزه‌ها در پرتو متن قرآنی بر فرهنگ و جامعه مسلمانان موثر واقع می‌شدند. کلام زرتشتی، کلام یهودی و کلام مسیحی، فلسفه یونان و ایران به همراه روش‌های حکومتی و اجتماعی ایران و روم تنها با تناسب یا سازگاری و عدم سازگاری می‌توانستند به حیات جمعی مسلمانان راه یابند که البته پس از راهیابی، مناقشات بسیاری را درباره نقش متن و کارکرد آن برانگیخت. در درون تمدن اسلامی رویکردهای عقل‌گرایانه معتزله و امامیه در مقابل رویکرد ظاهر‌گرایانه دیگر مذاهب از جمله حنابله، ظاهریه، شافعه و مجسمه موجبات دگرگونی در سرشت متن شد. در رویکرد عقل‌گرایی به متن به مثابه «فعل مخلوق و حادث خداوند» نگریسته می‌شد که انطباق و سازگاری با فئاتر، فرهنگ‌ها، ارزش‌ها و کنش‌های جامعه و مردم مورد توجه بود؛ در حالی که در رویکرد دوم، متن همچون «علم ازلی خداوند» تلقی می‌شد که می‌تواند بدون اعتنا به زمان و زمینه بر انسان‌ها نازل شود. از این رو کارکرد متن قرآن نزد گروه دوم نجات و سعادت واپسین است (غزالی، احیاء، ۵، ۲۰–۱۹) و مخاطب حقیقی متن قرآن، نه انسان‌ها که صرفاً انبیا هستند. (ابن عربی، فتوحات، ج ۱، ۲۸–۳۷)

در رویکرد اول، گوهری‌ترین کارکرد متن قرآن، حیات و جریان زندگی این دنیایی است که انسان هدف اصلی تعلیم آیات و مخاطب متن قرآنی است.

تأکید افراطی بر رویکرد دنیاگرایی، متن قرآن را به سوی بشری بودن یا تناسب تمام با اقتضانات بشری سوق داده؛ همچنان که ابرام در واپسین گزایی آیات، سبب حذف کارکردهای متن قرآن در حیات و زندگی انسان‌ها شد. منهج مطلوب این است که متن قرآن به رغم ارزش وافر و تام به جریان زندگی و توجه به دنیا، کنش‌ها و پرسش مخاطب و انسان‌ها، دارای مقامی آسمانی است که سرشت وحيانی بودن آن را برمی‌سازد. متن قرآن نه تنها تعارضی میان دین و دنیا ایجاد نکرده بلکه ضمن تأکید بر خواسته‌ها و انتظارات بشری از انسان‌ها می‌خواهد که از دنیا به اندازه مطلوب بهره‌مند شود. در سوره

قصص آمده است:

لا تنس نصیبک من الدنيا

تفسیر متن قرآن بر اساس منهاج مختلف تفسیری دگرگونی می‌یابد اما نباید تفسیر به گونه‌ای باشد که جمعیت متن و اعتبار وحيانی آن را مورد خدشه قرار دهد؛ نکته‌ای که ملاصدرا در نقد ابن عربی در تفسیر آیه ۱۷ سوره رعد متذکر می‌شود و تصریح می‌دارد که این تاویل خروج از ملاک تفسیر بوده و باطل است:

و انت خبیر بان خروج الالفاظ القرآنیة عن معانیها المتعارفه المشهوره توجب. تحیر الناظرین فیها و القرآن نازل له‌دایه العباد و تعلیمهم و تسهیل الامر علیهم مهمما امکان (ملاصدرا، تفسیر القرآن، ۱۳۶۶، ج ۶، سوره سجده، ۱۶–۱۵).

ادعای تعارض در متن قرآن در صورتی که آن را متن وحيانی بدانیم، ناشی از غفلت از مراتب کلام الهی است. ملاصدرا زبان و متن آیات را به سه دسته تقسیم می‌کند:

سخن و متن‌اعلی یا برتر: سخنی است که خود متن بذاته، قصد گوهری باشد و این قسم همانند ابداع عالم امر است.

سخن وسطی یا میانه: سخنی است که برای قصد دیگری باشد، گرچه در پیوند با خود کلام است همانند دستور خدا به ملائک آسمانی و آنچه از تدبیرات، تحریکات، اشواق و عبادات برای غایات عقلی دیگری که بر آنها واجب شده است.

کلام و متن ادنی: متنی است که انسان با آن از طرف خدا مورد خطاب قرار می‌گیرد. این متن نه به لحاظ ذات متن بلکه براساس مراتب خطاب می‌باشد.

(ملاصدرا، اسفار، ۱۹۸۲، ج ۶، ۷–۵)

این تقسیم حکایت از درجات و سطوح مختلف متن داشته که تقسیم متن به عبارات، اشارات، ظرایف و دقایق (با ظاهر، باطن، حد و مطلع) و نسبت فهم و تفسیر با این مراتب می‌تواند بسیاری از پرسش‌ها از جمله ادعای تعارض (البته ظاهر متن) را پاسخ و تبیین کنند (فیض کاشانی، تفسیر صافی، بی‌تا، ۲۹–۲۸).

ابن عربی توان مختلف مفسران و انسان‌ها در فهم متن وحيانی و قدسی قرآن را در ذیل آیه «انزل من السماء ماء فسالات اودیة بقدرها» به خوبی نشان می‌دهد. وی معتقد است خداوند، علم الهی (متن قرآنی‌ای که در اینجا با «ماء» یعنی آب به آن اشاره کرده) را از آسمان یا عالم علوی بر قلوب انبیا و انسل‌ها (اودیة به معنی قلب اخذ شده است) فرود آورد و قلوب آنها هریک برحسب استعداد از آن علم، فیض می‌گیرند (ابن عربی، ۱۳۸۹هجری قمری، ۹–۸).

ملاصدرا پس از تبیین اشاراتی و رمزی بودن (معانی مراتبی داشتن متن) آیات (ر.ک: ملاصدرا، مفاتیح‌الغیب، ۱۵۵–۱۵۳) تصریح دارد که قرآن و متن وحيانی به رغم عظمت و رفعت در معنا و محتوا، در لباس حروف و الفاظ و عبارات نازل شد تا متناسب با فهم آدمی بوده و امکان بهره‌بردن (مطابق با نیازها و پرسش‌های بشری) از این رحمت الهی میسر شود(ملاصدرا، اسفار، ۱۹۸۲، ۴۴).

ملاصدرا نوع نگرش به متن را وابسته به روش تفسیری مفسران و نوع مواجهه مفسر با

## جامعه اسلامی در دوران نخست، تحت تأثیر متن قرآنی کوشید تا نظام‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی پیشین را تغییر داده و نظام‌هایی کاملاً متفاوت را شکل دهد. تأثیر متن در چهار سده اول برجسته و حتی یگانه بود

متن دانسته و تنها منهج راسخین را روش بر صواب و توأم با یقین برمی‌شمارد که قادر بر دریافت گوهر معنی از درون صدف متن هستند.

وی در فاتحه چهارم از مفتاح دوم کتاب مفاتیح‌الغیب و در تفسیر آیه‌الکرسی، روش‌های فهم متن آیات (منهج اهل اللغله، منهج ارباب العقل والتدقیق، منهج الراسخین فی‌العلم والایقان؛ ر.ک: ملاصدرا تفسیر القرآن، ۱۳۶۶، تفسیر آیت‌الکرسی، ۱۵۰) را ذکر می‌کند و اعتقاد دارد فهم نادرست ناشی از ضعف در روش تفسیر و فهم است. ملاصدرا در نتیجه‌گیری در دفاع از روش صحیح فهم متن تأکید می‌ورزد که راسخین و استواران در قرآن، کسانی‌اند که با بصیرت و اندیشه درست که به نور الهی درخشان شده، به آیات نگریسته و با مشربی صحیح به تاویل و تفسیر می‌پردازند (ملاصدرا، مفاتیح‌الغیب، ۱۵۵–۱۵۳).

🕯**نتیجه‌گیری**
۱- قرآن کتابی آسمانی و الهی است که مشتمل بر حقایق و معارف وحيانی است و در عین حال، ناظر بر انتظارات، پرسش‌ها، واقعیات، فرهنگ‌ها و ارزش‌های جوامع انسانی و شرایط سیاسی-اجتماعی است. این دو ساحت، موجب جاودانگی آیات و جامعیت آنها شده‌است. قرآن در هیچ روی درصدد تأیید تام کنش‌ها و فرهنگ‌های موجود انسانی نبوده‌اما در عین حال در صدد رد و انکار آداب، فرهنگ، آیین و رفتارهای برآمده از عقل جمعی هم نیست. این خصوصیات نه به معنای انکار وحيانی بودن آیات قرآن و نه طرد واقع‌نگری است. قرآن با لحاظ ویژگی‌های حیات بشری، طرح نو عرضه کرده و اندیشه و زندگی انسان‌ها را به مسیری جدید فرا می‌خواند. توجه به فرهنگ، نیازهای بشری، رفتارها و کنش‌های انسانی و اهتمام به پرسش‌های آدمی موجب شده تا نیازهای ثابت و غیرثابت بشر در قرآن مندرج شده و براساس اصول ثابت، رویکردهای متغیر قابل استخراج باشد. مطهری در نظام حقوق زن در اسلام در تبیین اصل قدرتمندی جامعه اسلامی می‌نویسد که نیرومندی در مقابل دشمن، اصل و قانونی ثابت است که از قانونی دائمی منشا می‌یابد ولی لزوم مهارت خاص یک نیاز متغیر است که به تناسب عصر تغییر می‌کند و با تغییر شرایط تمدن، دگرگون می‌شود (مطهری، ۱۳۶۹، ۱۳۰ با دخل و تصرف).

بیان مجموع این ویژگی‌ها به مثابه انطباق قرآن با فطرت آدمی است. فطرت انسان ایجاب می‌کند که دو اصل ثابت الهی و وحيانی و متغیر بشری جهت هدایت انسان‌ها در قرآن گرد آیند، همچنان که در آیه سی‌ام سوره روح بدان اشاره رفته است.

۲-صنم‌پرستی از اوئان پرستی متفاوت است. صنم‌را واسطه قرار می‌دادند اما وثن خود خدا می‌شد. در کتاب ادیان العرب قیل الاسلام علت پرستش اوئان و اصنام توسط اعراب جاهلی بیان شده و اسباب فراموش شدن عبادت خدای ابراهیمی را عدم درک معنای حقیقت پرستش و خداوند بر می‌شمارد و این نسیان خود و خداسبب شد هر شیئی را تزئین کرده و در کعبه قرار داده و به عنوان تبرک و تیمن آن را طواف و عبادت بکنند.(جرجس داود، ۱۴۰۳، ۹۴۰–۲۹۰). خداوند در قرآن در سوره ص به این مسأله اشاره می‌کند:

منابع

۱-قرآن کریم

۲-نهج‌البلاغه

۳-ابوزیدحامد،معانی

متن،ترجمهمرتضی‌کریمی،

انتشارات طرح‌نو، ۱۳۸۱.

۴-امین‌خولی،منهاج‌تجدید

فی‌النحووالبلاغه‌والتفسیر

والادب، ۱۹۶۱.قاهره،

۵-باقلانی،ابوبکر،

الاعجازفی‌القرآن.

۶-بارت‌برولان،عناصر

نشانه‌شناسی ترجمه

مجیدمجدیدی موسسه

انتشاراتبین‌المللی‌انمه،

چاپ‌اول، ۱۳۷۰.تهران.

۷-پورحسین‌قاسم،هرمنوتیک

تطبیقی‌خرسی همانندی

فلسفه‌تاویل دراسلام‌غرب،

دفترنشر فرهنگ‌اسلامی،

۱۳۸۴.چاپ‌اول،تهران.

۸-جرجس داود،ادیان العرب

قیل‌الاسلام‌الموسسه‌الجامعیه

للدراسات‌والتشر‌والتوزیع، ۱۴۰۳.

۹-جوادی‌آملی‌عبدالله،

منزلت‌عقل در هندسه

معرفت‌دینی، چاپ‌دوم،

۱۳۸۶، مرکز‌نشر اسراف‌قم،

۱۰-زرکلی، البرهان فی‌علوم

۱۱-سروش،عبدالکریم،فیض و

بسط‌تئوریک‌شریعت‌موسسه

فرهنگی‌صراط، ۱۳۷۰،تهران.

منابع

- ↑ سیوطی،الاتقان فی علوم القرآن،قاوه،چاپ دوم،الهیته المصریة،العلماء،للكتاب،۱۹۷۵.
- ↑ صدرالدین محمدشیرازی، اسفار دار الاحیاء التراث العربی، بیروت،الطبعة الثالثة، ۱۹۸۰ج.۷.
- ↑ صدرالدین محمدشیرازی، تفسیرالقرآن، ۱۲۶۶، ج ۶، تصحیح م.خواجهی،انتشارات بیدار قم.
- ↑ صدرالدین محمدشیرازی، الشواهدالر یوبیه باخوانی سیزواری وتحقیق اشتیائی، چاپ چهارم،بوستان کتاب، ۱۳۸۶.
- ↑ صدرالدین شیرازی، مفتاح الغیب، ترجمه م.خواجهی،تهران بی تا، ۱۳۶۳.
- ↑ طباطبای محمدحسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، الطبعة الثانية، ۱۳۹۳.

۱۸-غزالی،ابوحامد، احیاء علوم الدین،ج ۱.
۱۹-الکتاب التذکاری محی الدین بن عربی فی الذکری المشویه الثامنة لمیلاده،قاوه ۱۳۸۹ هجری قمری(۱۹۶۹ میلادی)، مقاله‌این عربی فی درسه، الدكتورابوالعلا الفصیفی، ۲۰-لسان العرب،ابن منظور، ذیل واژه‌وحی.
۲۱-مطهری،مرتضی،نظام حقوق زن در اسلام،قم، انتشارات صدرا، ۱۳۶۹.
۲۲-مطهری،مرتضی، نبوت،انتشارات صدرا، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۶.

۲۳-محمدبن شاهمر تفضی معروف به ملامحسن فیض کاشانی، تفسیرالصافی،ج ۱، مشهددارالعرفتضی بی تا.
۲۴-سک کوردی،جان،ماریتین هایدگرت، ترجمه سعیدحنایی کاشانی،انتشارات گروس، تهران،چاپ اول، ۱۴۷۶.

۲۵-یحیی نوری،اسلام و جاهلیت،چاپ چهارم،مجمع معارف اسلامی، ۱۳۶۲.
25-Rolan Barthes:From workto Text. Trans. R. Howard. Berkeley, U. California.press. 1989

## معارف

## متن قرآن نه تنها تعارضی میان دین و دنیا ایجاد نکرده بلکه ضمن تاکید بر خواسته‌ها و انتظارات بشری از انسان‌ها می‌خواهد که از دنیا به اندازه مطلوب بهره‌مند شود

## مفاهیم و اصطلاحات

## آیات و روایات

## آیات قرآنی و روایات

اجعل الالهه الها واحداان هذا الشئ عجاب (ص/ ۵).

اعراب برای الهه‌ها قائل به الوهیت یا واسطه در الوهیت بودند و به غلط فکر می‌کردند کثرت عددی خدا یان است که قدرت و الوهیت آخرین است؛ بنابراین در مقابل دعوت قرآن و پیامبر <sup>(ص)</sup> عنوان کردند که چندین خدای خود را (تقریبا ۳۵۰ الهه) را منحصر به یک خدای محمد کنیم؟ اعراب ادعا کردند این امری است بسیار شگفت‌انگیز.

آیات ۲۰–۱۹ سوره نجم، به طور خاص به مشهورترین بت‌های عرب یعنی منات (قدیمی‌ترین بت در میان اعراب بود که به او قربانی و هدیه تقدیم می‌کردند و پس از ظهور اسلام به دست علی <sup>(ع)</sup> نابود شد)، لات (صنم مردم طائف بود که بعدها همه قبایل به پرستش آن پرداختند)، عزی (که بزرگ‌ترین صنم نزد مردم قریش بود و در زمان فتح مکه منهدم شد، ر.ک: یحیی نوری، اسلام و جاهلیت، ۱۳۶۴، ۲۶۲) اشاره شده است.

افزایتم الات و العزی و منوه الثالثه الاخری (نجم ۲۰–۱۹) ذکر این خصوصیات از فرهنگ، مذهب و ناهنجاری‌های اجتماعی در میان اعراب، بی‌تردید منبعث از توجه واقع‌گرایانه آیات قرآن به حیات بشری است اما قرآن در این آیات نه‌تنها منفعل و متاثر از فرهنگ، کنش‌ها و ارزش‌های موجود در زندگی اعراب نیست بلکه می‌کوشد تا پستی‌ها و انحرافات را با ذکر واقعیت‌ها از جامعه بزداید و با دعوت از انسان‌ها به سوی یکتاپرستی، نیکیختی و رستگاری در دنیا، حیات ایدئال و آرمانی قرآنی را گسترش دهد و تثبیت کند. به همین دلیل خداوند در سوره صافات می‌فرماید:

اندعون بعلا و تذرون احسن الخالقین (صافات، ۱۲۵).

آیا به پرستش بت‌ها و بت بعلّ روی آوردید، در حالی‌که خداوند که بهترین و زیباترین خالق حیات و جهان است را فراموش کردید؟

۳– در آیات قرآن تلقی اعراب جاهلی (که شاید با تلقی اکثر انسان‌ها درباره انبیا همانند باشد) درباره پیامبر <sup>(ص)</sup> و رسول الهی در موارد بسیار و با عبارت‌های گوناگون ذکر شده است. ذکر این آیات، هشدار به انسان‌ها درباره باور غلطشان در خصوص شخص نبی و گوشزد کردن به اصلاح باور است. در آیات ۹۰ تا ۹۳ سوره اسراء به روشنی فرهنگ، ارزش‌ها، باور‌ها و تلقی اعراب از پیامبر <sup>(ص)</sup> بیان شده است.
ینان از پیامبر <sup>(ص)</sup> می‌خواهند تا ایمان را به عنوان مسأله‌ای سودآفرین بپذیرد بنابراین تأکید می‌کنند که «لن نُؤمن لک» یعنی ای پیامبر به سود تو ایمان نمی‌آوریم مگر اینکه خواسته‌هایمان را عملی کنیدی. اگر «بک» به کار می‌برند در آن صورت ایمانشان متبِع از باور قبلی می‌بود اما ایمان به پیامبر <sup>(ص)</sup> را همچون قرارداد همکاری با سران قبایل می‌دانستند و از پیامبر <sup>(ص)</sup> چنین می‌خواهند:

– به سود تو ایمان نمی‌آوریم تا زمانی‌که از زمین تفتیده ما، چشمه آب جاری کنیدی.

– یک باغ مهیا داشته باشی که در آن باغ نخلستان و باغ انگور آماده داشته باشد که خرما و انگور فراوان در آن باشد.

– آبی که همواره جاری باشد و هیچ‌گاه تمام نشود، در وسط این باغ وسیع جاری کنی.
– آسمان را آن چنان‌که قدرت داری، تکه‌تکه بر ما فرود بیاور.

– خدا و فرشتگان را جلوی چشم ما حاضر کن تا آنها گواهی دهند و به ما بگویند که تو را به عنوان پیامبر <sup>(ص)</sup> فرستاده‌اند.

– خانه‌ای از طلا و زر داشته باش که از آن بهره‌مند شویم.

– به آسمان یا در آسمان پرواز کنی و نامه‌ای از خدا از بالا برای ما بیاوری که پیامبری شما را تأیید کرده باشد.

تلقى اعراب از پیامبر <sup>(ص)</sup> این بود که نباید از جنس بشر باشد، رسول خدا نباید غذا تناول کند، در کوچه و بازار راه نرود، زندگی عادی و زن و فرزند نداشته باشد (فرقان ۸–۷). یا تصور می‌کردند که معجزات تماما از جانب شخص پیامبر <sup>(ص)</sup> و بدون اذن خداوند است و او از غیب، آینده، سرنوشت‌ها و مرگ و زندگی بدون اجازه الهی آگاه است (اعراف / ۱۸۸).

قرآن این ویژگی‌های زندگی، فرهنگ و اجتماع اعراب را یاد می‌کند تا براساس آموزه صحیح قرآنی آن را بر مدار صحیح سوق دهد. در هیچ‌کدام از ایسن آیات برگرفتگی، انطباق، رویکرد تأثیرپذیری و نشانه مواجهه منفعلانه به چشم نمی‌خورد. آنچه اتفاق می‌افتد هشدار و گوشزد کردن به انسان‌ها در تصحیح و اصلاح زندگی جاهلی و روی آوردن به حیات قرآنی است. از همین روی است که پیامبر <sup>(ص)</sup> این پاسخ‌ها را در آیات متعدد قرآن به در خواست‌های انحرافی و ناصواب اعراب جاهلی می‌دهد:

– سبحان الله، شما چه فکر می‌کنید؟ آیا من جز اینکه یک بشر هستم که خدا برای شما (اصلاح فکر، فرهنگ و باور و زندگی‌تان) فرستاده، چیز دیگری هستم؟

– من نیستم مگر رسولی از جانب خداوند که ترساننده و بشارت‌دهنده است (تا از اعمال و رفتار ناصواب دست بردارید و به سوی ایمان روی آوردید).

– بگو ای پیامبر <sup>(ص)</sup>، آیات و معجزات و سرنوشت همه از طرف خدا و در دست اوست.

– علامه طباطبایی در تفسیرالمیزان در نتیجه‌گیری این بحث به آیه ۵۰ انعام اشاره کرده و تصریح می‌کند که پیامبر <sup>(ص)</sup> با این آیه، پاسخ نهایی را به اعراب جهت اصلاح باور و فکر می‌دهد:

«قل لا اقول لکم عندی خزائن الله و لا اعلم الغیب و لا اقول لکم انی ملک ان اتبع الا ما یوحی الی».

۴– تفاوت شگرف قرآن و سایر کتب مقدس در توجه دقیق و واقع‌گرایانه آیات قرآن به زندگی بشری است. قرآن داعیه تغییر حیات انسانی را دارد. قرآن تصریح می‌کند که انسان‌ها، جوامع انسانی، فرهنگ و هنجارهای انسان‌ها پیش از نزول قرآن در انحطاط بود و به تعبیر روشن قرآن، انسان‌ها مرده بودند یا در حیات منحط و پستی به سر می‌بردند. قرآن، زندگی، حیات، طراوت و امید و ایمان را به ارمان آورد. پرداختن زندگی پس از دوران مرگ، نیازمند توجه جامع و کامل به علل مرگ و انحطاط فرهنگ و جوامع است. قرآن پستی‌ها را ذکر می‌کند تا رفعت شکل گیرد، مرگ و جهل را می‌زداید تا زندگی و دانایی پدیدار شوند. راز توجه قرآن به زندگی انسان‌ها و جوامع بشری در همین گذار نهفته است. <sup>•</sup>

## ۲۲\* تیر آرش آزادی در کمان آرش قدرت

گذر قدرت و آزادی درمَشش ایرانی

دکتر حکمت‌الله ملاصالحی

## ۲۶\* صدایتان را خوب نمی‌شنوم!

گفت و گوی لوموند باؤاکت در یداد در باره زبان

ایمان گنجی

## ۳۲\* فایده مضاف لذت

گذری به مکتب فایده‌گرایی

نواب مقربی

## ۳۶\* گذار از متافیزیک موجود

نگاهی به متافیزیکت در نظر هایدِگَر

مهدی بنایی جهرمی